

سرمقاله

# رویکرد پارادوکسیکال جنگ و صلح در افغانستان

حفيظ الله زكي

دهل و سرنای صلح در کشور این بار با حضور گروه داعش در افغانستان از جذابیت افتاد و سیاست های صلح طلبانه حکومت را با اما و اگرهای بسیاری مواجه کرد. حکومت وحدت ملی که از آغاز موضوع صلح با طالبان را در اولویت سیاست های خود قرار داده بود، با سفر رئیس جمهور در روزهای آغازین کاری به عربستان، پاکستان و سپس چین و امارات پی گیری شد و ظاهراً خوشبینی هایی را هم به وجود آورد.

اما به گفته مقامات حکومتی هنوز هیچ گفتگوی پنهانی و آشکار میان حکومت و طالبان انجام نشده و تا کنون زمان و مکان مذاکرات نیز معلوم نشده است.

همانطوری که حکومت قبلی همواره از عدم همکاری پاکستان و آمریکا در راستای صلح لب به انتقاد می گشود و کلید صلح افغانستان را به دست این دو کشور می دید، حکومت وحدت ملی در گام های نخست کوشید تا رابطه با این دو کشور می باشد بخشد و اختلافات خود را با آنها حل کند.

امضای فوری پیمان امنیتی و سفرهای متعدد مقامات بلند پایه افغانستان به پاکستان و بالعکس، نشانه چرخش صدو هشتاد درجه ای سیاست خارجی افغانستان در رابطه با این دو کشور می باشد. البته در این محور عربستان، قطر و امارات نیز جایگاه مهمی پیدا کرده است.

رئیس جمهور اولین سفر خارجی خود را از عربستان شروع کرد و تا هنوز دویار در این کشور سفر کرده است. افغانستان به درخواست شاه عربستان حمایت خود را از موضع گیری های سیاسی آن کشور در قبال یمن اعلام کرد. حمایتی که هم اکنون با اعتراضات بسیاری از آگاهان و شهروندان افغانستان مواجه شده و سیاست خارجی کشور را در نابسامانی شدید قرار داده است.

پرسش اصلی شهروندان این است که آیا موضوع صلح و گفتگوهای سیاسی با طالبان تا این حد مهم می باشد که در برابر آن از بسیاری منافع خود چشم پوشی کنیم و بسیاری از خطرات پیش بینی نشده را نادیده بگیریم؟ اعلامیه اخیر حکومت افغانستان در ارتباط با حمله کشورهای عربی و از جمله عربستان به یمن، بیانگر آن است که پروسه صلح با مخالفان مسلح، شدیداً سیاست خارجی کشور را متأثر ساخته و افغانستان را عملاً وارد بازی های منطقه ای کرده است.

افغانستانی که خود قربانی جنگ های نیابتی کشورهای دیگر بوده و هست و افغانستانی که خود با هزاران مشکل لاینحل داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می کند؛ چگونه می تواند آینده خود را با نزاع های پیچیده منطقه ای گره بزند؟ نگرانی بزرگتر از آن این است که ممکن است این روند همچنان ادامه پیدا کند و این کشور در حالی که کوچکترین امتیازی از کشورهای عربی و پاکستان نگرفته است؛ کلاترین امتیازهای سیاسی و اقتصادی را به آنها اعطا کند.

اضافه بر آن، ظهور و گسترش فعالیت گروه داعش در ولایت های کشور، بارهنگر باورهای صلح را از بنیان تخریب کرده است. حالا شهروندان کشور با دست برداشتن گروه طالبان از جنگ، صلح و امنیت در این کشور را تضمین شده نمی دانند. آنان معتقد اند که با ختم پروژه طالبان، پروژه دیگری به نام داعش مأموریت نامن سازی در افغانستان را به پیش خواهد برد و با فعالیت این گروه در افغانستان پروسه صلح واقعی در عمل با بن بست مواجه شده است.

در حال حاضر تعدادی از فرماندهان مشهور طالبان و حزب اسلامی با گروه داعش بیعت کرده اند و به نام آنها جنگ و جنایت را در کشور ادامه می دهند. گفته می شود که گروهان گیری های اخیر نیز توسط فرماندهان مشهور طالبان صورت گرفته که هم اکنون تحت نام داعش فعالیت می کنند. بنابراین پیوستن رهبران طالبان به حکومت در برابر امتیازات سیاسی که به آنها داده می شود، نمی تواند برای تعدادی از فرماندهان این گروه مؤجّه و قابل قبول باشد. لذا این نیروها با بریدن از گروه طالبان و سایر گروه های مسلح در حال جنگ، می تواند خطرات امنیتی را – این بار به نام داعش – خلق کنند. ادامه جنگ توسط این نیروها می تواند از اهمیت روند صلح با رهبران طالبان بکاهد.

عربستان سعودی چندی پیش بر یمن حملات هوایی انجام دادند. این حملات واکنش های مختلف در پی داشت. واکنش های کشور ها را به صورت مشخص می توان به سه دسته رده بندی کرد. برخی کشور ها همانند اندونزی اعلان بی طرفی نمودند و بسر حل بحران تاکید نمودند. کشور های همانند ایران با حمله عربستان مخالفت نمودند. پاکستان به عنوان شریک استراتژیک عربستان سعودی هیئت را به عربستان فرستادند و حمایت قاطع خود را اعلان نمودند. افغانستان از جمله کشور های است که تنها حمایت دیپلماتیک نمودند. حمایت دیپلماتیک افغانستان از حمله عربستان سعودی به یمن واکنش های زیادی را میان شهروندان کشور در پی داشت. خیلی ها این سوال را مطرح نمودند که این حمایت چه پیوندی با منافع افغانستان در سطح بین الملل و میان کشور های اسلامی دارد. این سوال از دو جنبه حائز اهمیت می باشد. اول به این خاطر که شهروندان در صدد آن است تا سیاست خارجی در راستای منافع ملی عینی، ملموس و واقعی تدوین و اجرا گردد. دوم اینکه سیاست خارجی و با رفتار های در چارچوب سیاست خارجی نباید روی رفتار های متکی باشد که تا هنوز مبهم است. در ذیل تلاش می شود این مسئله به بحث گرفته شود.

از آنجایی که سیاست خارجی تداوم سیاست داخلی یک کشور محسوب می شود بنابراین، اهمیت سیاست خارجی کمتر از سیاست داخلی نیست. اهمیت پرداختن به این مسئله از همین جا ناشی می شود. حمایت دولت افغانستان از حمله عربستان سعودی به یمن چگونه قابل درک است. باور نگارنده بر این است که محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری به خاطر تقویت پروسه صلح از حمله عربستان به یمن حمایت نموده است. با گذشت ماهها از شکل گیری حکومت وحدت ملی مشخص شده است که پروسه صلح و گفتگو های صلح برای محمد اشرف غنی دارای اهمیت

اساسی و جدی می باشد. اهمیت گفتگو های صلح به آن پیمانه است که او دو بار به عربستان سعودی سفر نمود و با مقامات بلند پایه آن کشور به خاطر پروسه صلح گفتگو نمود. پیش فرض محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری این است که عربستان سعودی بر روی گروه های تندرو همانند گروه طالبان و حزب اسلامی نفوذ چشم گیر دارد. در کنار این مسئله، عربستان سعودی می تواند بر پاکستان – شریک استراتژیک خود – فشار آورد تا پاکستان در پروسه صلح با افغانستان همکاری نماید. نزدیکی افغانستان و پاکستان پیوندی با رابطه افغانستان و عربستان دارد. گفته می شود که مقامات عربستان سعودی به محمد اشرف غنی گفته است که با پاکستان روابط خوب و حسنه داشته باشد. بنابراین، حمایت محمد اشرف غنی از حمله عربستان به یمن تنها در چارچوب همین مسئله قابل فهم و درک است. اشرف غنی، رئیس جمهوری به احتمال زیاد با حمایت خود در صدد کسب امتیاز از عربستان سعودی در گفتگو های صلح می باشد. اینکه حمایت از حمله عربستان بر یمن در چارچوب گفتگو های صلح قابل فهم است شکی نیست. اما سوال این است که این رفتار تا چه اندازه بر مبنای امر درست بنا شده است.

باور نگارنده بر این است که این رفتار قابل نقد است. تسا هنوز تلاش های و هزینه های زیادی برای گفتگو های صلح پرداخته شده است اما گفتگو ها نتیجه ملموس و عینی در پی نداشته است. تا هنوز گفتگو با گروه طالبان تنها در حد یک وعده از سوی کشور ها مطرح بوده است. به عقیده نگارنده پاکستان گفته است که تلاش می کند شبکه های مختلف گروه طالبان را وادار نماید تا با دولت افغانستان به صورت مستقیم وارد گفتگو شود. اما تا هنوز این مهم اتفاق نیفتاده است. گروه طالبان نیز تا هنوز به صورت مشخص ابراز نظر روشن و جهت گیری واضح در قبال سیاست صلح خواهانه حکومت افغانستان

# حمایت از عربستان؛ درست یا نادرست؟

علی قادری



حکومت وحدت ملی نیز ایجاد نموده است. گفته می شود که عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه با حمایت محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری مخالفت نموده است. از همان اول شکل گیری حکومت وحدت ملی میان دو جناح شکاف و تعارض جدی وجود داشت. این رفتار ها و حمایت های به ظاهر سودمند شکاف ها را عمیق تر می کرد و در نهایت، کل نیرو های دو جناح در حکومت وحدت ملی از طریق همدیگر خنثی می شود.

مورد تا اندازه شتاب زده عمل نموده است. شتابزدگی او اما، ضربه بر مشروعیت نظام سیاسی کشور است. در کنار این مسائل، اشرف غنی احمدزی یک عنصر دیگر را نادیده گرفته است. ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای با حمله عربستان بر یمن مخالفت نموده است. بر اساس گفته تحلیل گران جنگ در یمن در واقع جنگ میان ایران و عربستان است. از آنجایی که ایران همسایه افغانستان محسوب می شود، این دو کشور از همدیگر تأثیرات متقابل زیادی می پذیرد. لازم است که بیش از همه این دو کشور روابط نیک و حسنه داشته باشد. اگر پاکستان به عنوان یک کشور همسایه در ثبات و بی ثباتی کشور نقش دارد، ایران نیز به عنوان یک کشور همسایه نقش اساسی در ثبات و بی ثباتی کشور دارد. بنابراین، نادیده گرفتن این فاکت در روابط با عربستان یک اشتباه استراتژیک است. این مسئله بدون شک، بر روابط دو کشور سایه خواهد افکند.

ارائه نکرده است. این نشان می دهد که پروسه صلح تا هنوز در ابهام قرار دارد. در عین حال، بر حکومت افغانستان تا هنوز روشن نشده است که آیا عربستان سعودی و پاکستان در همکاری افغانستان در گفتگو های صلح صادق است یا خیر. به این دلیل، می توان گفت که مبنای رفتار محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری درست نمی باشد. همان طور که در بالا متذکر شدیم؛ سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. از این جهت، در پروسه صلح ما به جای حمایت های خارجی بیش از همه نیازمند حمایت های داخلی می باشیم. کاهش مشروعیت داخلی منجر به تقویت پروسه صلح نمی گردد بلکه مشروعیت داخلی پایین حکومت باعث فلج شدن تمام بدنه حکومت می گردد. کارکرد های حکومت منوط به مشروعیت بالا و حمایت های شهروندان است. تا اکنون حمایت از حمله عربستان سعودی منجر به واکنش منفی شهروندان است. تا اکنون حمایت از حمله عربستان سعودی منجر به واکنش منفی شهروندان است. تا اکنون حمایت از حمله عربستان سعودی منجر به واکنش منفی شهروندان است. تا اکنون حمایت از حمله عربستان سعودی منجر به واکنش منفی شهروندان است.

# افغانستان و سایه توافق ایران و غرب

عبدالرحمن قهیمی

میان این دو کشور در سیاست بین الملل آغاز شده و ممکن است به پیشرفت های دست یابد. به عبارت دیگر، اکنون رابطه مبتنی بر واگرایی و تخریب و تضعیف، جایش را به رابطه مبتنی بر همکاری و تقویت می دهد. پس بر دولت افغانستان است که از این فرصت پیش آمده استفاده های لازم سیاسی و اقتصادی را کند

نگرانی کرده است. ۲. افغانستان و سایه بهبود رابطه ایران و آمریکا اگر ایران و آمریکا و به صورت مجموعی جهان غرب، به تعهدهای داده شده پایبند بمانند، رابطه ایران و غرب به تدریج بهبود خواهد یافت. ایران یکی از قدرت ها و بازیگرهای مهم منطقه ای ست و به نظر می رسد که بهبود رابطه سیاسی با آمریکا بر قدرت منطقه

افغانستان سخن می زد و اعلام همکاری می کرد، اما واقعیت سیاسی چیز دیگری بود. ایران با توجه به نگرانی های که از حضور آمریکا در کشور داشت، از این همکاری می نگرست. ممکن دست به تخریب چندبندزه باشد، اما بدون تردید، تصمیم به همکاری های بنیادین هم نداشتند است. اما رویکرد دولت کابل، جلب نظر ایران بوده است. نظامی های آمریکایی که در چوکات نیروهای

خواهان این کشور، بیشتر خواستار بهبود رابطه با ایران بوده اند و اصلاح طلبان ایران نیز نسبت به اصول گرایان این کشور، خواستار بهبود رابطه با جهان غرب به ویژه آمریکا بوده اند. پس از هجده ماه مذاکره و گفت و گوی سیاسی میان ایران و قدرت های جهانی که توسط تیم سیاسی دولت حسن روحانی به پیش برده می شد، اکنون، گفته می شود که دو طرف به توافق های دست یافته اند. گفت و گوهای سیاسی فشرده که در لوزان سوئیس جریان داشت، به توافق های کلی منجر شده است که دورنمای برنامه هسته ای و رابطه ایران و غرب را پیش بینی می کند.

جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از بدو پیروزی انقلاب و شکل گیری نظام سیاسی اسلامی در ایران، رابطه همراه با خصومت تنش جدی را تجربه کرده اند. ایران آمریکا را به حمایت از رژیم اسرائیل به منظور فشار بر خودش و به صورت کلی سلطه بر جهان و آمریکا ایران را به تقویت برخی جنبش های نظامی غیر دولتی متهم کرده و حتی این کشور را محور شرارت خوانده است. ولی در این مدت جریان های سیاسی در داخل هر دو کشور تلاش های داشته اند، تا رابطه همراه با خصومت از میان برداشته شده و همکاری های همه جانبه در سطح منطقه خاورمیانه و جهان آغاز شود.

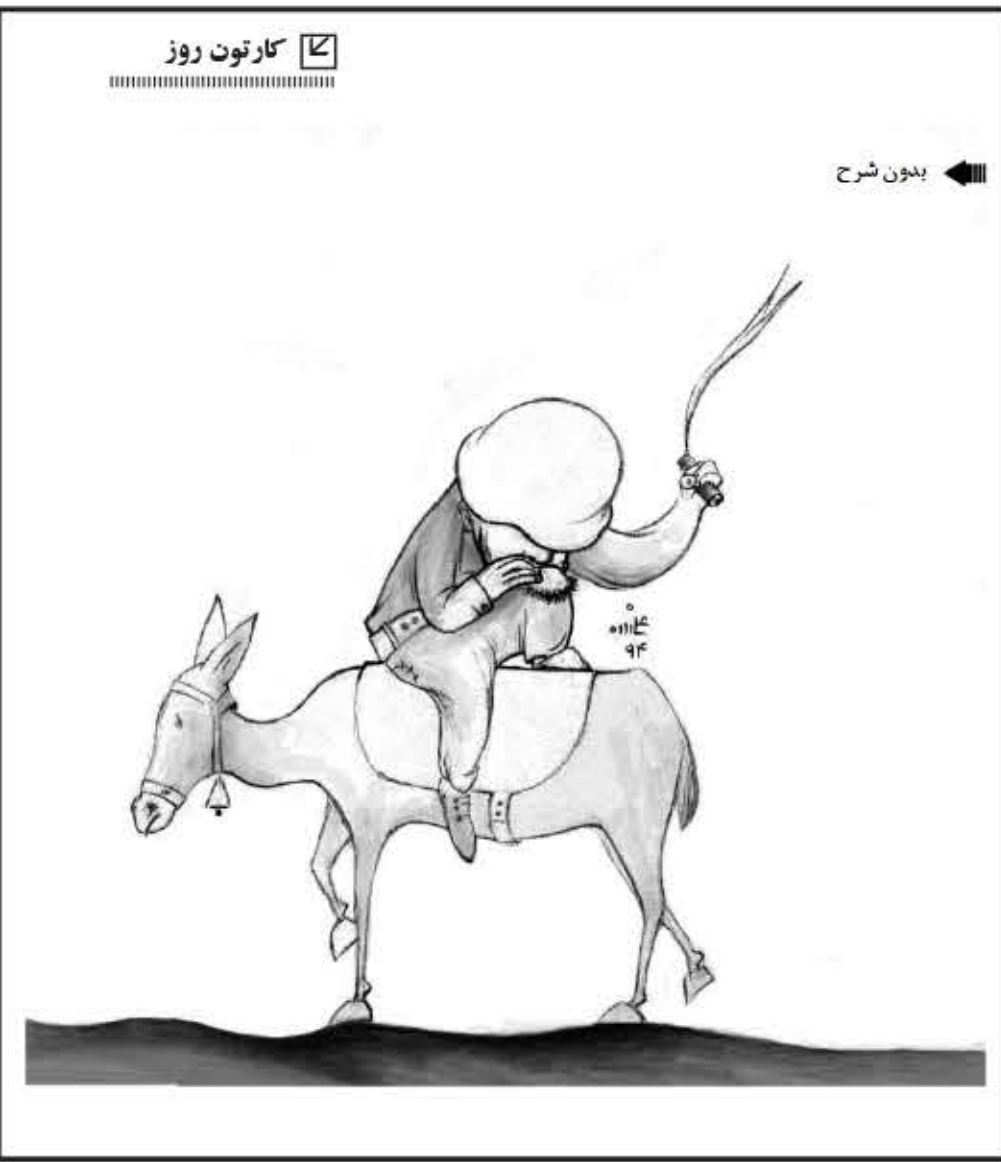


تواند نقش مهم در ثبات و امنیت کشور و کل منطقه بازی کند. نیاز درجه اول کشور نیز صلح، امنیت و ثبات سیاسی است و تا به حال به هر شیوه که متوسل شده است، نتیجه قابل انتظاری نداشته است. شاید یکی از علل ناکامی و به ثمر نرسیدن، نبود توافق سیاسی جامع میان همسایه ها و کشورهای منطقه ای بوده است. اکنون که رابطه ایران و غرب بهبود می یابد، بدون تردید نوع و سطح همکاری این کشور با افغانستان نیز دچار تحول خواهد شد. پس باید از این فرصت در راستای تأمین امنیت، صلح و ثبات سیاسی سودجست.

ای ش می افزایش و باعث می شود که این کشور در معادلات منطقه ای پر قدرت تر حاضر شده و نقش بازی کند. این احتمال، رقیب های منطقه ای این کشور را نیز نگران کرده است. علاوه بر اسرائیل که از بنیاد با ایران مشکل دارد، کشورهای عربی حوزه خاورمیانه نیز به گونه ای نگران به نظر می رسند. به نظر می آید که از این پس، سایه بهبود رابطه ایران و غرب بر طرز دید و همکاری های ایران با افغانستان حاکم شود. با این که در گذشته علاوه بر تنش سیاسی، این دو کشور منافع مشترک پاییده و با هم همکاری می کردند – مانند همکاری ایران جهت برچیدن بساط گروه طالبان – اما رابطه خصمانه و همراه با عناد سیاسی شان باعث شده بود که ایران از برخی همکاری های بنیادین دریغ کرده و حتی در برخی موارد تلاش کند مانع ایجاد کند.

اتنلاف بین المللی مبارزه با تروریسم در کشور حضور داشتند، بارها ایران را به آموزش دهی و تشویق برخی گروه های طالبان به جنگ در کشور، متهم کرده و از موجودیت سلاح های ایرانی در دست های طالبان سخن زدند، اما دولت افغانستان همه این ها را رد کرد. به هر حال، در طول چهارده سال که از عمر نظام نوین سیاسی می گذرد، رابطه همراه با خصومت ایران و آمریکا بر روند همکاری ایران با افغانستان نیز تأثیر گذاشته است. به عنوان مثال، با این که دولت افغانستان به تمامی هم سایه ها: ایران، چین، روسیه و هند، اعلام کرده که حضور نظامی آمریکا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی ناتو و در نهایت عقد پیمان استراتژیک و موافقت نامه دوجانبه امنیتی با آمریکا تهدید متوجه امنیت ملی هیچ یکی از کشورهای هم سایه نیست، اما همه کشورهای به گونه ای و ایران به گونه ای شدیدتر از ابراز

دموکرات های آمریکا نسبت به جمهوری



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com